



شماره شانزده

عید غدیر بود و تمام شهر به خاطر امامت حضرت علی (ع) غرق در سرور بودند، همه در حال پخش شربت ، شیرینی و شکلات و تبریک این روز عزیز به یکدیگر بودند؛ در میان انبوه جمعیت چشمم به صندلی چرخدارش افتاد.

جلو رفتم و با خجالت و ترس سلام کردم اما گویی از نگاه پرسشگرم همه چیز را خواند و فهمید که چه قدر خجالت زده ام!

با لبخند دستش را دراز کرد و دست مرا به گرمی و مهربانی فشرد و گفت : «پسرم من به این نگاه ها عادت کرده ام . اسم این صندلی، ویلچر است و به آدم هایی شبیه من، معلول حرکتی می گویند؛ اما بدان که من معلول هستم اما محدود و ناتوان نیستم.

با وجود این که % ۹۲ (نود و دو درصد) از آسیب های نخاعی در ایران بر اثر تصادف های رانندگی و غیره رخ می دهد اما هنوز خیلی ها دنبال علت فلج شدن من و هم نوع های من هستند.»

علی آقا توضیح داد : «چند سال پیش زمانی که خیلی جوان بود، بر اثر تصادف یکی از مهره های ستون فقراتش شکست اما بی احتیاطی و نداشتن آگاهی مردم حاضر در صحنه ی تصادف ، باعث شد که مهره شکسته به نخاع آسیب بزند؛ آن ها باید صبر می کردند تا اورژانس برای کمک برسد زیرا نداشتن آگاهی کافی باعث صدمه بیشتر به مصدومین سانحه می شود.»